

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

۱۹ جون ۲۰۱۸

## انگیزه ها و اهداف آتش بس!

انگیزه نوشتن این مختصر، مطالعه نوشته همکار عزیز پورتال آقای "الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی" معنون به "جنگ مردود، جهاد مطلوب" در همینجا بود. ایشان با دقت و ژرفنگری مسلکی از موضع یک داکتر روانشناس به دقت در کردار و عملکرد طالب در شهر کابل نکاتی را بجا و درست تذکر داده بودند که جا دارد با دقت در عملکرد و اهداف هر دو طرف این نمایش، اندکی بیشتر گشوده شود. از آنجائی که این مختصر در بهترین صورت بازکردن یک بخش از نگاهشته داکتر صاحب "سعیدی" است، می خواهم این مختصر را تقدیم داکتر صاحب نمایم، امید مورد پذیرش شان قرار گیرد.

دقت در روابط و مناسبات طرفین جنگ ضد انقلابی طالب و دولت دست نشانده، زیر نام آتش بس در روز های گذشته، صرف نظر از این که برخاسته از خوی و خصلت شخصی افراد و تا حدی تبعیت از دساتیر مذهبی مبنی بر این که در روز های عید مسلمانان می باید برکدورت ها نقطه پایان گذاشته با هم آشتی نمایند، بود؛ مطمئناً انگیزه ها و اهداف خاصی نیز باعث گشته بود تا کردار و منش دشمنان به یکباره سیمای دیگری به خود بگیرد. این قلم خواهم کوشید به صورت بسیار مختصر بر این انگیزه ها مکث کوتاهی بنمایم باشد دوستان دیگر بر آن روشنائی بیشتر بیندازند.

\* - نخستین نکته ای که این آتش بس که هزاران صلح و آشتی به گردش نمی رسید، نمایان ساخت این بود و است که دوطرف جنگ ارتجاعی هیچ گونه تضاد آشتی ناپذیر و غیر قابل حل با هم ندارند. یعنی به همان سانی که جنایت، تحجر، انتحار، آدمکشی و وابستگی طالب به استخبارات منطقه برای دولت دست نشانده قابل هضم و پذیرش بوده و است، مزدورمنشی و انقیاد طلبی دولت دست نشانده و در زیر سایه اشغالگران زیستن آن، برای طرف مقابل یعنی طالب مشکلی ایجاد ننموده هر دو می توانند، با حفظ عین خصوصیات و در تقابل خونین با قاطبه مردم افغانستان "برادروار" زندگانی نمایند.

\*- زندگانی برادروار دوطرف جنگ ارتجاعی کاملاً واضح نشان داد که جنگ فعلی هیچ ارتباطی به مردم افغانستان یعنی توده های میلیونی افغانستان متشکل از تمام اقوام- پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، بلوچ، و... ندارد بلکه جنگ بین مشتی تکنوکرات و ابسته به امپریالیزم که بیشترین رقم آنها خاستگاه قوم پشتون دارند و نسل دیروز و رهبران سنتی-مذهبی همان تکنوکراتها که ردای اسلام بردوش افکنده اند، می باشد. آنها که یکی قلاده بردگی استخبارات امپریالیزم جهانی در رأس "سیا" و "ام. آی. ۶" را بر گردن دارند و دیگری قلاده استخبارات منطقه - "آی.اس.آی"،

"واواک" و "فرا منطقه" اف. اس. بی - جنگ شان نه به خاطر این قوم و یا آن قوم و نه هم به خاطر این طبقه و یا آن طبقه، بلکه به منظور تأمین منافع نهاد های استخباراتی و کشور های حامی شان می باشد. این اشتراک منافع و تقابل کاملاً وابسته به چگونگی مناسبات آنهاست که زنجیر قلاده های آنها را در دست دارند.

\*- انگیزه و هدف دولت دست نشانده به خصوص باند "غنی احمدزی و حنیف اتمر" همان طوری که از اعلام این آتش بس بر می آید، ضمن تأمین دستور اربابان جنایتکارش، انداختن فرش قرمز سر راه طالب و آماده ساختن ذهنیت ها جهت پذیرش این قاتلان مردم به مثابه شریک قدرت در ماه های آینده می باشد، در خطوط کلی خود اهداف جداگانه را نیز تعقیب می نمود:

۱- باند "غنی-اتمر" با این حرکت و با آوردن طالب حد اقل برای چند روز در شهر و در چوکات قانون استعماری مسلط بر کشور، تلاش می ورزد تا زمینه تقلبات انتخاباتی بیشتر را در مضحکه انتخابات پیش رو فراهم بسازد. "غنی-اتمر" بدین وسیله می خواهند چنان زمینه چینی نمایند که هرگاه در جریان مضحکه انتخابات از مناطق تحت نفوذ طالبان به صد ها هزار رأی به نفع خودشان جمع شود، به همه بگویند که این حرکت هم در ادامه آتش بس می باشد.

۲- دومین هدف از این آتش بس و آغوش را برای جنایتکاران طالب گشودن، تطبیق یک طرح روانی نهاد های استخباراتی علیه فراریان، یاغیان و آن نیروهای مسلح است که زمانی طولانی در شرایط دشوار تعقیب و گریز و در زیر سایه مرگ، بدون کار ایدئولوژیک زیسته اند، آنهایی که چنان با زندگانی دشوار ادامه مبارزه مسلحانه خو گرفته اند که هیچ نوع طرز زندگانی دیگر، حتا در فکرشان خطور نمی نماید تا چه رسد که به آن آشنائی داشته باشند.

کارهایی را که نهاد های استخباراتی مانند "سیا" و شرکاء و هزاران روانشناس و متخصصی که با آنها در این زمینه همکاری نموده و انبوه تجارب شان در مبارزه علیه براندازان، به دولت دست نشانده این راه را نشان داده که برای مدتی هرچند کوتاه "مزه زندگانی آرام" را به طالب بچشانند. دولت دست نشانده می خواهد بدین وسیله به فرد متواری طالب، طرز زندگانی در تحت قیمومیت استعمار و بهره وری از رفاه و آرامش حاصله از آن را برایش نشان دهد، به عبارت بهتر می خواهد با انداختن گوشت، از گرگ وحشی، سگ دست آموزی چون خودش بسازد، به همین اساس دروازه های شهر را جهت ورود طالب در داخل شهر گشود تا با این حرکت در تاریخ منازعات جنگها، نوع آتش بس خاصی را ثبت نماید.

\*- و اما انگیزه های طالب از این حرکت می تواند نکات آتی باشد:

۱- طالب و حامیان پشت پرده طالب این را بخوبی می دانند که دوران حاکمیت جبارانه طالب نه تنها چیزی نیست که از اذهان مردم پاک شود، بلکه یادآوری از آن ایام وحشت و دهشت که انسان قرن ۲۱ را به زور شلاق و سرنیزه می خواست ۱۵ قرن به عقب کشیده، از افغانستان کنونی، صحرای عربستان عصر ظهور اسلام بسازد، خود می تواند بالاترین انگیزه در بین قاطبه مردم افغانستان در مبارزه علیه طالب و طالبانیزم باشد. مردمی که جبر و ظلم طالب آنها را از انجام وظایف میهنپرستانه شان باز داشته است و طالب را نه تنها دشمن خود بلکه دشمن تمدن و بشریت متمدن می دانند.

با حرکت از چنین منظری، برای حامیان طالب با در نظر داشت این که جای شیخ های عرب و کلاه برداران انگلیس آن را اینک حقه بازان آخوندی ایران و روسها گرفته اند، کاملاً روشن است که اگر خواسته باشند طالب و طالبانیزم را به مردم حقتنه نمایند، باید تغییراتی را در کردار و افعال طالب به نمایش بگذارند. اینجاست که طالب دشمن کمره عکاسی دیروز، با مردم عکس یادگاری می گیرد، طالب دشمن تلویزیون، مقابل کمره های تلویزیونی خود را چنان شاد و خوشحال نشان می دهد، توگویی در زندگانی اش چیزی به نام جنگ وجود نداشته است، طالبی که تاهنوز در مناطق

تحت تصرف خودش، طول ریش مردان و حجاب زنان را با شلاق و گلوله اندازه می‌گیرد، در شهر کابل با ریش‌های تراشیده روبوسی نموده، با زنان سلام و علیک می‌کند، در وقت نماز و شنیدن صدای آذان نه تنها دیگران را به شلاق و "درهٔ عمری" راهی مسجد نمی‌نماید، بلکه خود نیز عجله به خرج نمی‌دهد؛ تمام این تغییرات در برخورد و پیشامد طالب، گذشته از این که با سنت پیغمبر اسلام قبل از تبدیل شدن به قدرت و بعد از آن همخوانی و تطابق دارد، در واقع به نحوی نشان دادن یک چراغ سبز برای باشندگان افغانستان است که: "او مردم نترسید، ما آدم شده ایم؛ دیگر به کارتان کار نداریم، اگر باز به قدرت برگردیم، از آن سخت‌گیری‌ها خبری نخواهد بود..."

۲- دومین هدف طالب می‌تواند تا حدی زیادی تربیت نظامی افرادش حین ورود به شهرهای بزرگ، آشنائی با شهر و طرز برخورد قابل پذیرش با باشندگان شهری باشد. طالب با اعزام تعداد کثیری از افرادش به شهرها، گذشته از این که آنها را با میدان‌های عملیاتی آینده آنها آشنا می‌سازد امری که در تحرکات نظامی ارزش خاص خود را دارد، به آنها می‌آموزاند که حین اشغال شهر بزرگ اگر خواسته باشند، سلطهٔ شان دوام یابد چگونه می‌باید برخورد و پیشامد نمایند تا مردم عادی از آنها گریزان نباشد.

\*- آنچه در این میان سخت حیرت آور و حتا انتقاد آمیز بود و است، برخورد مردم نسبت به این هم‌آمیزی بود. این برخورد منفعلانه و پسف در قبال آمدن قاتلان مردم در درون شهرها با تمام تدارکات دولت دست‌نشانده می‌بایست از جانب مردم با عکس‌العمل رو به رو می‌شد. با تأسف مردم با برخورد منفعلانه و "به‌مه‌چی" در عمل نشان دادند که باز هم نمی‌خواهند سرنوشت شان را خودشان به دست خویش بگیرند و در عوض به هر آنچه از جانب دولت دست‌نشانده و بقیه‌ایادی استعمار و ارتجاع بر بالای شان بیاید، حاضر اند گردن بگذارند.

مردم باید به دولت دست‌نشانده به خصوص باند "غنی-اتمر" نه تنها با آواز بلند بلکه با حرکات اجتماعی شان بفرمانند که جنگ مردم با طالب، به غیر از جنگ تکنوکراتهای وابسته به امپریالیزم با وابستگان استخبارات منطقه و ارتجاع با وی است. مردم باید به "غنی-اتمر-عبدالله" و بقیه جواسیس غرب و شرق بفرمانند که نه تنها به دولت دست‌نشانده بلکه به هیچ قدرت و نیروئی این اجازه را نمی‌دهند که در غیاب آنها با قاتلان آنها سازش نموده، بر خونهای ریخته شده آنها خط بطلان بکشند.

\*- آتش بس بیشتر از همه باید وجدان خفتهٔ آن عده از چپ‌نماها و شبه‌چپ‌ها را که به امید سرکوب ارتجاع توسط امپریالیزم قلادهٔ بردگی امپریالیزم را بر گردن آویخته، از این کوچه به آن کوچه و از این قاره به آن قاره به "سیل گلگشت چمن" مشغول بوده، مدال بر گردن می‌آویختند، بیدار نماید تا بیش از این به خیانت شان به کشور، مردم و آرمانهای جانبازان پاکباز جنبش کمونیستی افغانستان ادامه نداده، جهت پذیرش شان در صف خلق جانبازانه پای پیش گذاشته در عمل و با ایثار خون خویش، از گذشتهٔ ننگین شان انتقاد نمایند.